

جنگ کی پایان می یابد؟!

حسین ملایی

مدیرمسئول

سَمَـهَ رَمَقَالَه



مرگ و جنگ و زمان همدستان مادی تاریخی هستند. یکی از شگفت‌انگیزترین ویژگی‌های پارادایم فناوری در حال ظهور این است که این همدستی، دست‌کم از نظر جنگ‌های تعیین‌کننده قدرت‌های مسلط، دچار دگرگونی بنیادینی گشته است. در واقع پیدایش فناوری هسته‌ای، - امکان قتل‌عام جهانی - به‌گونه‌ای متناقض‌نما، احتمال رویارویی نظامی گسترده و جهانی بین قدرت‌های بزرگ را از میان برده است و شرایطی را که نیمه اول قرن بیستم را به ویرانگرترین و مرگبارترین دوره تاریخ تبدیل کرده بود، منتفی ساخته است. با این حال منافع ژئوپولیتیک و رویارویی‌های اجتماعی همچنان آتش مخاصمات بین‌المللی و بین قومی را تا مرز نابودی فیزیکی افروخته نگه می‌دارند و باید گفت که ریشه‌های جنگ، دست‌کم تا جایی که تجربه تاریخی نشان می‌دهد در سرشت پاره‌ای از انسان‌ها نهفته است. با وجود این در دو دهه گذشته، جوامع دمکراتیک و پیشرفته صنعتی امریکای شمالی، اروپای غربی، ژاپن و اقیانوسیه جنگ را مردود دانسته‌اند و در برابر دولت‌هایی که شهروندان خود را به بالاترین از خودگذشتگی دعوت می‌کنند، مقاومت چشمگیری نشان داده‌اند، جنگ الجزایر در فرانسه، جنگ ویتنام در آمریکا و جنگ افغانستان در روسیه نقاط عطفی در توانایی دولت‌ها بوده است تا بدون داشتن دلایل قانع‌کننده، جوامع خود را به سوی نابودی سوق دهند.

از آنجا که جنگ، تهدید جدی و توسل به آن هنوز رکن اصلی قدرت دولت‌ها را تشکیل می‌دهد؛ از پایان جنگ ویتنام، کارشناسان جنگ درصدد یافتن راه‌هایی برای ایجاد جنگ بوده‌اند. فقط در چنین شرایطی است که می‌توان قدرت اقتصادی، تکنولوژیک و جمعیت را به عاملی برای سلطه بر



می‌کند. علاوه بر این یک کشور می‌تواند بسته به رابطه‌ای که با نظام جهانی و منافع قدرت‌های مسلط دارد، از جنگ‌های کند به سوی جنگ‌های سریع حرکت کند، بدین ترتیب ایران و عراق هشت سال درگیر جنگی بیرحمانه بودند که کشورهای غربی با دقت به هر دو طرف اسلحه می‌فروختند تا ویرانگری دوجانبه جنگ، توانایی هر یک از این دو کشور برای به مخاطره انداختن عرصه نفت را تضعیف کند. وقتی عراق با ارتشی مجهز که در جنگ ورزیده شده بود بر آن شد (در واقع با تکیه بر رضایت قدرت‌های غربی) تا رهبری خود در منطقه را به اثبات برساند، ناگهان خود را رویاروی تکنولوژی جنگ سریع دید. قدرت‌های بزرگ در نمایشی قدرتمندانه برای مقابله با بی‌نظمی‌های احتمالی، هشدار جدی به عراق دادند. نمونه دیگر جنگ هولناک و طولانی بوسنی است که مایه شرمساری اتحادیه اروپاست. این جنگ پس از اینکه کشورهای عضو ناتو اختلافات خود را حل کردند و تکنولوژی جنگی را به حملات گزینشی و ویرانگر چند روزه‌ای تبدیل کردند که توان رزمی صرب‌ها را در هم شکست، در طول چند روز دگرگون شد و روند صلح در دیتون، اوهایو تحمیل شد. تنها هنگامی که یک جنگ در اولویت برنامه‌های قدرت‌های جهانی قرار می‌گیرد سرعت آن تغییر می‌کند.

آنچه امروز در عراق و سوریه می‌گذرد بستگی به تصمیم قدرت‌های جهانی دارد که چه زمانی به پایان برسد. حضور نظامی و سریع روسیه، میدان جنگ را در سوریه تغییر داده است. ورود نیروهای نظامی فرانسه که قربانی حوادث تروریستی گردیده، در سوریه و عراق فضای جنگ را تغییر خواهد داد. به نظر می‌رسد که اگر منافع از قبل طراحی شده آنها تأمین شده باشد فرصت کوتاهی نه از ادامه جنگ خبری خواهد بود، نه داعش با چنین گستاخی ادعای حکومت خواهد کرد، ولی چند مسأله باید با هم حل شود:

۱. تکلیف دولت آینده سوریه، که بستگی به توافق کشورهای درگیر در جنگ دارد.
۲. مشکل کردهای ترکیه و سوریه و نیازمندی‌ها براساس حل منافع قدرت‌های درگیر حل شود.
۳. روابط بین ایران و عربستان و مسائل فی‌مابین باید حل و فصل گردد تا موضوع یمن نیز فیصله یابد.

اما این جنگ پایان نمی‌یابد، چون زمینه‌های دیگر حل نشده باقی مانده است، مثل مشکل قفقاز (بین ارمنستان و آذربایجان) یا شعله‌ور کردن اختلافات قومی و قبیله‌ای یا اختلافات شیعه و سنی که در خاورمیانه باقی مانده است که چون در این منطقه نفت هم وجود دارد، هرگاه منافع آنها ایجاب کرد، اینها بهانه‌هایی است که ممکن است سبب آتش‌افروزی گردد.

تا اینکه منافع قدرت‌های بزرگ در کجا گره خورده باشد و شعله جنگی دیگر در کجا افروخته گردد.

دولت‌های دیگر تبدیل کرد و این قدیمی‌ترین بازی در طول تاریخ بشر است. جوامع پیشرفته و دموکراتیک در ارتباط با شرایط لازم برای مقبولیت جنگ نزد مردم به سرعت به سه نتیجه رسیده‌اند. جنگ باید:

۱. به دست ارتش‌های حرفه‌ای انجام گیرد و شهروندان عادی نباید در آن شرکت داشته باشند.

۲. کوتاه و حتی لحظه‌ای باشد، تا پیامدهای منفی بلندمدت نداشته باشد، منابع انسانی و اقتصادی را نبلعد و مسأله توجیه اقدام نظامی مطرح نشود.

۳. تمیز و بسیار دقیق باشد و نابودی، حتی نابودی دشمن، نیز باید در حد معقول و تا آنجا که ممکن است به دور از انظار عمومی صورت پذیرد.

پیشرفت‌های شگرفی که در دو دهه گذشته در زمینه تکنولوژی نظامی ایجاد شده ابزار اجرای این استراتژی اجتماعی - نظامی را فراهم کرده است.

مهمتر از همه اینکه مخبرات و تکنولوژی و سلاح‌های الکترونیک حملات ویرانگر به دشمن را در زمانی بسیار کوتاه فراهم ساخته است.

البته جنگ خلیج فارس تمرینی کلی برای نوع جدیدی از جنگ بود و پرده نهایی آن که در برابر ارتش بزرگ و مجهز عراق ۱۰۰ ساعت به طول انجامید، نشانه‌ای از قاطعیت قدرت‌های نظامی جدید در مواردی است که مسأله مهمی مطرح باشد (در جنگ خلیج فارس، آنچه به خطر افتاده بود منافع نفتی غرب بود) با این همه، باید کاملاً به خاطر داشته باشیم که جنگ‌های سریع، ظریف، محدود و مبتنی بر تکنولوژی امتیاز ملت‌هایی است که از سلطه تکنولوژیک برخوردارند. در سرتاسر جهان، جنگ‌های ظالمانه‌ای که اعتنای چندانی به آنها نمی‌شود، سالهای سال ادامه می‌یابند و به رغم گسترش جهانی تسلیحات بهره‌مند از تکنولوژی پیشرفته در بازار، با ابزار ابتدایی انجام می‌شوند، تنها در

سالهای ۱۹۹۲ - ۱۹۸۹ سازمان ملل ۸۲ نبرد مسلحانه را در جهان ثبت کرد که ۷۹ مورد از آنها جنگ‌های داخلی بود. چریک‌های سرخپوست گواتمالا،

نبردهای انقلابی بی‌پایان کلمبیا و پرو، شورش مسیحیان جنوب سودان، مبارزات آزادی‌بخش کردها، شورش مسلمانان در جزایر میندانائو، آمیزه قاچاق مواد مخدر و مبارزات ملی در میانمار و تایلند، جنگ‌های قبیله‌ای

ایدئولوژیک در آنگولا، رویارویی جنگ‌سالاران در سومالی یا لیبیا، جنگ‌های داخلی قومی در رواندا و بروندي، مقاومت صحرا در برابر مراکش، جنگ داخلی الجزایر، جنگ داخلی افغانستان، جنگ داخلی سریلانکا، جنگ داخلی بوسنی،

جنگ‌ها و مبارزات اعراب و اسرائیل که چند دهه به طول انجامیده است، جنگ‌های قفقاز و رویارویی‌ها و نبردهای مسلحانه متعدد دیگر که سالها و دهه‌ها به طول انجامیده است، آشکارا نشان می‌دهند که جنگ‌های کند و

فرسایشی هنوز نشانه نفرت‌انگیز توانایی ویرانگری ماست و در آینده نزدیک نیز چنین خواهد بود. نابرابری کشورهای مختلف در رابطه با قدرت، ثروت و

تکنولوژی است که زمانبندی‌های مختلف و به‌ویژه زمان جنگ آنها را تعیین